



”

امریکا اگر زائر علمی  
تخیلی و رؤیایی دارد،  
پیشترش صدها فیلم  
بر اساس داستانی  
واقعیتهش دارد.  
درباره کسی که اولین  
عمل جراحی قلب را  
در امریکا انجام داده  
است، با فاصله ۱۰ سال  
فیلم ساخته است.  
در حالی رؤیا می‌سازد  
که پایش روی زمین  
واقعیتهش هم هست و  
می‌گوید آدم‌هایی برای  
رؤیای امریکایی تلاشی  
کردند و الان هم دارند  
می‌کنند. اما در ایران  
چه کسی می‌داند که  
دکتر ماندگاری کیست؟

به این دستاورد بزرگ علمی رسیده است. موقعی که من می‌روم روایتش می‌کنم، همه ابعادش را می‌گویم؛ می‌بینم این آدم اربعین می‌رود، این آدم دوست صمیمی خانوادگی شیخ زکزاکی است، از اوایل دهه هفتاد همدیگر را در مکه دیده‌اند و با هم رفیق شده‌اند. این آدم ساحت‌ها و ابعاد مختلفی دارد. من می‌گویم آن آدم‌ها وجود دارند، احمدی‌روشن وجود دارد، بهاروند وجود دارد، آقای دکتر مهبودی در زیست فناوری و مهندس یعقوب زاده و نجاتبخش در تجهیزات پزشکی وجود دارند، صدها نفر دیگر وجود دارند و اینها هم همه‌شان دارند می‌جنگند و موانع و مخالفت‌های داخلی زیادی هم دارند.

امریکا اگر زائر علمی تخیلی و رؤیایی دارد، پیشترش صدها فیلم بر اساس داستان واقعیتهش دارد. درباره کسی که اولین عمل جراحی قلب را در امریکا انجام داده است، با فاصله ۱۰ سال فیلم ساخته است. در حالی رؤیای می‌سازد که پایش روی زمین واقعیتهش هم هست و می‌گوید آدم‌هایی برای رؤیای امریکایی تلاش کردند و الان هم دارند می‌کنند. اما در ایران چه کسی می‌داند که دکتر ماندگاری کیست؟ من دانش‌آموز اگر سال ۷۲ می‌دانستم دکتر ماندگاری پیوند قلب کرده در ایران، رؤیای من خیلی وسیع‌تر می‌شد. مانه یک فیلم در مورد معلم خوبمان داریم، نه در مورد دانشمندان داریم، نه در مورد راننده تاکسی خوبمان داریم، در مورد هیچی فیلم نداریم. در هنر‌ها همه اینها غفلت کردیم و هیچ‌کدامشان را روایت نکردیم. خب

را بخواهند روایت کنند. ما الان بخواهیم تاریخ فرهنگی‌مان را بگوییم، تاریخ فرهنگی از کی شروع می‌شود؟ و آدم‌هایش چه کسانی هستند؟ کل حرف ما در قصه روایت پیشرفت این است که ما بایک‌خلأ و فراموشی و بیک غفلت و جهالت عظیمی نسبت به واقعیت بیرونی‌مان مواجه هستیم. در همین دهه هفتادی که می‌گویم ما دچار غیبت می‌شویم، خاطرات آقای بهاروند را می‌خوانیم و می‌بینیم ایشان به خاطر اینکه برود در رویان و مسأله مردم را حل بکند، می‌گوید «دیدم پیگیری‌هایم به نتیجه نمی‌رسد تصمیم گرفتم بروم مشهد شاید توانستم پاسخم را از امام رضا بگیرم و چهل روز روزه نذر کردم» به فاصله ۱۰ سال بعد، همان آدم، ما را به دانش سلول‌های بنیادی می‌رساند. برای روایت درست این آدم، باید او را از خیلی قبل‌تر ببینیم و در مقطع‌های زمانی و ساحت‌های مختلف انسانی‌اش روایت کنیم. بدنه دل‌بستگان به انقلاب، آدم‌های فرهیخته و غیر فرهیخته ما، اصلاً با این جزئیات انقلاب را نمی‌شناسند. اگر می‌خواهیم رؤیای داشته باشیم، اول باید واقعیت‌الانمان را بشناسیم. از هر اصفهانی که می‌پرسم می‌دانی این شنگول و منگول رویان، گوسفندهای شبیه‌سازی شده، کجا به دنیا آمدند؟ می‌گویند احتمالاً تهران، می‌گویم اصفهان به دنیا آمدند. آقای نصر اصفهانی را می‌شناسید؟ این کجا درس خوانده، کجا کار کرده و از کجا شروع کرده؟ چند سال قبلش داشته در دانشگاه کمبریج لندن درس می‌خوانده، پا شده آمده و بعد